

## تأویل الآيات الحسينية

محمود حسین زاده خراسانی

### مقدمه

آیات فراوانی در قرآن مجید در مدح اهل بیت پیامبر علیهم السلام و ذم و نکوهش دشمنان آنان آمده و روایات فراوانی در تفسیر و تأویل این آیات وارد شده است؛ ولی این روایات در کتب مختلف تفسیر پراکنده‌اند به طوری که دسترسی به آنها و اطلاع از همه آنها برای مراجعه کنندگان مشکل است، بر این اساس بعضی از علما بر آن شدند که این مطالب ارزشمند را در مجلد واحدی جمع آوری نمایند که می‌توان به تأویل الآيات الظاهرة<sup>۱</sup> و تفسیر فرات کوفی<sup>۲</sup> و تفسیر نورالثقلین<sup>۳</sup> و... اشاره نمود. روایتی از امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل شده که آن حضرت می‌فرماید:

---

۱. سید شرف الدین علی حسینی استرآبادی، تاریخ دقیق ولادت او مشخص نیست اما بنابر تحقیق، او از علمای قرن دهم هجری است برخی سال وفات او را ۹۴۰ هجری دانسته‌اند و سید در این کتاب، آیات قرآن را ذکر کرده، پس از آن، روایات ائمه علیهم السلام را در تأویل آن آورده است.

این روایات شامل مدح اهل بیت، مدح شیعیان و محبان آنها و ذم و نکوهش دشمنان اهل بیت می‌شود. کتاب مذکور از بهترین تألیفات در این موضوع است و بسیاری از متأخرین هنگام تألیف کتابی در این موضوع، از کتاب سید استفاده فراوان برده‌اند. این کتاب مورد توجه علمای شیعه قرار گرفته و بارها توسط آنان ترجمه، تلخیص و شرح شده است.

۲. فرات بن ابراهیم کوفی - ابو القاسم، فرات بن ابراهیم بن فرات کوفی از شخصیت‌های دوران غیبت صغری می‌باشد. وی از راویان حدیث به شمار می‌آید و روایات فراوانی از مشایخ بزرگ شیعه روایت کرده و از معاصران ثقة الاسلام کلینی است.

۳. نویسنده این کتاب عبد علی بن جمعه عروسی حویزی است که متعلق به قرن یازدهم و به زبان عربی می‌باشد.

نَزَلَ الْقُرْآنُ أَرْبَاعاً رُبْعٌ فِينَا وَرُبْعٌ فِي عَدُوَّتِنَا وَرُبْعٌ سُنَنٌ وَأَمْثَالٌ وَرُبْعٌ فَرَائِضٌ وَ  
أَحْكَامٌ<sup>۱</sup>

قرآن چهار بخش است: یک چهارم آن در مورد اهل بیت است، یک چهارم آن درباره دشمنان آنهاست، یک چهارم سنن و امثال است و یک چهارم دیگر فرائض و احکام است.

با توجه به این کلام امیر مؤمنان علیه السلام، علمای اسلام ترغیب شده و اقدام به جمع آوری آیات قرآن مجید که در وصف اهل بیت علیهم السلام نازل شده کرده‌اند و تا کنون ده‌ها عنوان کتاب در این موضوع تألیف نموده‌اند علمایی مانند: عبد الرزاق کاشانی رحمته الله، آقا نجفی اصفهانی رحمته الله، محمد بن ماهیار رحمته الله، ابو نعیم اصفهانی رحمته الله و بسیاری دیگر. البته هر یک از این بزرگان آن مقدار از احادیث که به دستش رسیده ضبط نموده اما به جا و شایسته است که همه این کتاب‌ها با حذف مکررات به یکدیگر ضمیمه شده و کتابی جامع در این موضوع نگاشته شود.

این نوشتار موجز در سدد بیان آیاتی است که در رابطه با امام حسین علیه السلام و در خصوص ایشان وارد شده و از سوگ و شهادت آن حضرت که در راه دین و قرآن حماسی ترین و شکوهمندانه ترین فداکاری را آفرید، سخن به میان آورده است؛

### فصل اول: ولادت امام حسین علیه السلام

#### مبحث اول: دوران بار داری حضرت فاطمه علیها السلام

یکی از نقطه‌های شگفت‌انگیز زندگی امام حسین علیه السلام دوران حمل و زمان تولد آن حضرت است که با حزن و اندوه همراه بوده است و نه تنها این دوران همراه با اشک و آه بوده است بلکه قبل از تولد ایشان انبیاء الهی: آدم علیه السلام، نوح علیه السلام، خضر و موسی علیهم السلام، سلیمان علیه السلام، ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام، عیسی علیه السلام و نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و همچنین علی و فاطمه و حسن، بر او گریستند.

این حزن و اندوه در تأویل این آیه شریفه از قرآن، نمایان است:

﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا﴾<sup>۲</sup>

۱. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۳۰۵.

۲. احقاف، آیه ۱۵.

و انسان را درباره پدر و مادرش به نیکی سفارش کردیم. مادرش با تحمل رنج و زحمت او را باردار شد و با رنج و زحمت او را زایید. و دوران بارداری و باز گرفتنش از شیر سی ماه است، تا زمانی که به رشد و نیرومندی خود و به چهل سالگی برسد، گوید: پروردگارا! به من الهام کن تا نعمت را که بر من و پدر و مادرم عطا کرده‌ای سپاس گزارم، و کار شایسته‌ای که آن را می‌پسندی انجام دهم و ذریه و نسل مرا برای من صالح و شایسته گردان که من به سوی تو بازگشتم و به یقین از تسلیم شدگان [به فرمان‌ها و احکام] توأم!

در کتاب **تأویل الآيات**<sup>۲</sup> در تأویل این آیه مبارکه چنین وارد شده است:

چون فاطمه علیها السلام حسین علیه السلام را باردار بودند، فرشته وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و گفت: خداوند ضمن درود، شما را به ولادت فرزند گرانمایه‌ای از فاطمه علیها السلام، که ستمکاران امت، پس از شما او را به شهادت می‌رسانند، مژده می‌دهد.

پیامبر صلی الله علیه و آله ضمن پاسخ سلام و درود به فرشته وحی خطاب نمود که چنین فرزندی با چنین رخدادی سهمگین را نمی‌خواهد.

فرشته وحی عروج نمود و بار دیگر فرود آمد که پیام همان بود و پاسخ نیز همان. بار سوم نیز فرشته وحی فرود آمد و گفت: خداوند مژده ات می‌دهد که امامت و پیشوایی را در نسل این فرزندان قرار می‌دهم. پیامبر صلی الله علیه و آله در این مرتبه رضایت خویش را اعلام نمودند. سپس موضوع را با دختر بزرگوارشان نیز در میان گذاشتند که فاطمه علیها السلام نیز همانند پدر بزرگوارشان پس از دریافت بشارت امامت در نسل امام حسین علیه السلام [به این امر بسیار جان‌گداز] رضایت دادند.

یکی از نقطه‌های برجسته زندگی انسان بعد از تشکیل خانواده، تولد فرزندی است که یک خانواده را بسیار شادمان می‌کند و هیچ کس از تولد فرزندی سالم و زیبا ناراحت نخواهد شد، اما تولد امام حسین علیه السلام با اندوهی جانکاه همراه است؛

﴿حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا﴾

دوران بارداری و به دنیا آمدنش با دشواری و اندوه بود.

در این باره روایتی از امام صادق علیه السلام نقل است که چون فاطمه علیها السلام، امام حسین علیه السلام را باردار بودند و خبر شهادت آن حضرت را نیز شنیده بودند لذا این حمل بر فاطمه علیها السلام دشوار و اندوهبار بود:

۱. ترجمه انصاریان، ص ۵۰۴.

۲. تأویل الآيات الظاهرة، ص ۵۶۲ - ۵۶۷.

... قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لَمْ تُرَفِي الدُّنْيَا أُمَّ تَلِدُ غُلَامًا تَكْرَهُهُ وَ لَكِنَّهَا كَرِهَتْهُ لِمَا عَلِمَتْ أَنَّهُ سَيَقْتُلُ قَالَ وَ فِيهِ نَزَلَتْ هَذِهِ آيَةٌ « وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كُرْهًا وَ حَمَلُهُ وَ فَصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا »<sup>۱</sup>

در دنیا کسی ندیده است که مادری از دنیا آوردن فرزندش ناراحت باشد! اما فاطمه علیها السلام از آمدن فرزندش اندوهناک بود چرا که می دانست و آگاه بود که فرزندش را می کشند و به این سبب بود که آیه: « وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كُرْهًا وَ حَمَلُهُ وَ فَصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا » نازل شد.

#### مبحث دوم: میلاد و دوران شیرخوارگی امام حسین علیه السلام

در ادامه، این آیه مبارکه اشاره به شیرخوارگی آن حضرت و مدت زمان آن دارد:

« وَ حَمَلُهُ وَ فَصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَى وَالِدِيَّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَ أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي »؛

و دوران بارداری و باز گرفتنش از شیر سی ماه است، تا زمانی که به رشد و نیرومندی خود و به چهل سالگی برسد، گوید: پروردگارا! به من الهام کن تا نعمت را که بر من و پدر و مادرم عطا کرده‌ای سپاس گزارم، و کار شایسته‌ای که آن را می پسندی انجام دهم و ذریه و نسل مرا برای من صالح و شایسته گردان که من به سوی تو بازگشتم و به یقین از تسلیم شدگان [به فرمان‌ها و احکام] توأم.

#### مبحث سوم: تأویل آیه

بنابر این مطالبی که گذشت، تأویل این آیه کریمه چنین خواهد بود « وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ » یعنی حسین علیه السلام « بِوَالِدَيْهِ » یعنی علی و فاطمه علیهما السلام « بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا » یعنی نیکی کند و اطاعت نماید از آن دو « حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كُرْهًا » فاطمه علیها السلام از تولد فرزندش اندوهناک بود چرا که به شهادت آن حضرت آگاه بود « حَمَلُهُ وَ فَصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا » دوران بارداری و باز گرفتنش از شیر سی ماه است. « حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً » وقتی امام حسین علیه السلام بالغ شد و به چهل سالگی رسید فرمود: رَبِّ أَوْزِعْنِي پروردگارا! به من الهام کن أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَى وَالِدِيَّ تا از نعمت‌هایی چون امامت و وصایت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که بر من و پدر و مادرم عطا کرده‌ای سپاس گزارم وَأَنْ أَعْمَلَ

۱. الکافی، ج ۱، ص ۴۶۴؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۱.

صَالِحاً تَرْضَاهُ و مرا در کارهای پسندیده موفق بدار وَ أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي و همچنان که کارم را اصلاح نمودی عمل فرزندان من (ائمه علیهم السلام) را نیز اصلاح نما إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ که من به سوی تو بازگشتم و به یقین از تسلیم شدگان [به فرمان‌ها و احکام] توأم.<sup>۱</sup>

### مبحث چهارم: تاریخ و زمان ولادت با سعادت حضرت سیدالشهداء علیه السلام

مشهور این است که ولادت آن حضرت در مدینه در سوم ماه شعبان بوده، و شیخ طوسی رحمته الله روایت کرده که بیرون آمد توقیع شریف به سوی قاسم بن علاء همدانی وکیل امام حسن عسکری علیه السلام که مولای ما حضرت حسین علیه السلام در روز پنجشنبه سوم ماه شعبان متولد شده، پس آن روز را روزه بدار و این دعا را بخوان: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فِي هَذَا الْيَوْمِ»<sup>۲</sup> و ابن شهر آشوب رحمته الله ذکر کرده که ولادت آن حضرت بعد از ده ماه و بیست روز از ولادت برادرش امام حسن علیه السلام بوده و آن روز سه شنبه یا پنجشنبه پنجم ماه شعبان سال چهارم از هجرت بوده، و فرموده، روایت شده که ما بین آن حضرت و برادرش فاصله نبوده، مگر به قدر مدت حمل و مدت حمل، شش ماه بوده است.<sup>۳</sup> و سید بن طاووس و شیخ ابن نما و شیخ مفید در ارشاد نیز ولادت آن حضرت را در پنجم شعبان ذکر فرموده‌اند.<sup>۴</sup> شیخ مفید در مقنعه و شیخ در تهذیب و شهید در دروس، آخر ماه ربیع الاول ذکر فرموده‌اند،<sup>۵</sup> و این قول موافق روایت کافی از حضرت صادق علیه السلام که ما بین حسن و حسین علیه السلام طهری فاصله شده و ما بین میلاد آن دو بزرگوار شش ماه و ده روز واقع شده<sup>۶</sup> واللّه العالم. و بالجمله؛ اختلاف بسیار در باب روز ولادت آن حضرت است.

### فصل دوم: قیام و هجرت امام حسین علیه السلام

دومین آیه‌ای که مربوط به قیام شهادت امام حسین علیه السلام می‌باشد آیه ۳۹ و ۴۰ سوره مبارکه حج است.

۱. تأویل الآيات الظاهرة، ص ۵۶۶ و ۵۶۷.

۲. مصباح المتعجد، ص ۵۷۲.

۳. المناقب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۸۴.

۴. مثير الأحران، ص ۱۶؛ الإرشاد، ج ۲، ص ۲۷؛ منتهی الآمال، ج ۱، ص ۵۸۹.

۵. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۹۰؛ الدروس، ج ۲، ص ۸.

۶. الکافی، ج ۱، ص ۴۶۱.

﴿أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأْنَهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ \* الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ...﴾؛

به کسانی که [ستم کارانه] مورد جنگ و هجوم قرار می گیرند، به سبب آنکه به آنان ستم شده اذن جنگ داده شده، مسلماً خدا بر یاری دادن آنان تواناست. همانان که به ناحق از خانه هایشان اخراج شدند [و گناه و جرمی نداشتند] جز اینکه می گفتند: پروردگار ما خدا است...

### مبحث اول: اولین آیه جهاد

طبرسی رحمته الله می گوید این اولین آیه ای است که در خصوص با جنگ نازل شده است<sup>۱</sup> و قائل است که تقدیر این آیه چنین است:

أُذِنَ لِلْمُؤْمِنِينَ أَنْ يُقَاتِلُوا مِنْ أَجْلِ أَنْهُمْ ظَلَمُوا بِأَنْ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَقُصِدُوا بِالْإِذَاءِ وَالْإِهَانَةِ وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ وَهَذَا وَعَدَّ لَهُمْ بِالنَّصْرِ أَنَّهُ سَيَنْصُرُهُمْ؛<sup>۲</sup>  
به مؤمنین در رابطه با ظلمی که به آنها از ناحیه مشرکان وارد شده است و آنان را از وطنشان بیرون نموده و مورد اذیت و آزار خویش قرار داده اند، اجازه مبارزه و جهاد داده شده است.

### مبحث دوم: تأویلات وارده درباره این آیه:

در بعضی از روایات «الذین» در این آیه تفسیر به حَسَنِينَ عليهم السلام شده است.<sup>۳</sup>  
و در روایات دیگر نیز تأویل به حضرت قائم عليه السلام و اصحاب ایشان شده است.<sup>۴</sup>  
مراد این آیه، امام علی عليه السلام، حمزه عليه السلام، جعفر عليه السلام و امام حسین عليه السلام می باشند.  
صاحب تأویل آیات چنین بیان می کند:<sup>۵</sup>

تأويله: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ، قَالَ نَزَلَتْ فِي رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم وَعَلِيٍّ وَحَمْزَةَ وَجَعْفَرَ وَجَرَّتْ فِي الْحُسَيْنِ: أَجْمَعِينَ؛<sup>۱</sup>

۱. مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ۷، ص ۱۳۸.

۲. همان.

۳. عَنْ ضُرَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ ﴿أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأْنَهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ﴾ قَالَ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ عليهم السلام (بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۲۲۷؛ تأویل الآيات الظاهرة، ص ۳۳۴)

۴. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَجَلَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أُوذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأْنَهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ قَالَ هِيَ فِي الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَصْحَابِهِ (بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۲۲۷)

۵. تأویل الآيات الظاهرة، ص ۳۳۵.

امام صادق علیه السلام در شأن نزول این آیه مبارکه می‌فرماید: این آیه در رابطه با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و جعفر نازل شد ولی امام حسین علیه السلام نیز در نهایت از مصادیق بارز این آیه قرار گرفتند.

شاید بتوان گفت که آن سه قهرمان بزرگ توحید از وطن خویش رانده و بدون هیچ گناه و ستم در حق فردی، بلکه تنها به جرم اینکه خدای خویش را یکتا و بی‌همانند می‌شناختند و او را این‌گونه سپاس و عبادت می‌کردند و در راه او پایداری می‌ورزیدند، به شهادت رسیدند.

#### مبحث سوم: مصداق اتم این آیه

این آیه شریفه در مورد امام حسین علیه السلام به گونه‌ای خاص تفسیر و تطبیق شده است، چرا که او از وطن خویش و همه پناه‌گاه‌ها رانده شد و در سراسر قلمرو گسترده اسلامی برای او نقطه امنی نگذاشتند، خشونت و ترور و رعب رژیم اموی به نام اسلام به جایی رسیده بود که امام حسین علیه السلام خطاب به محمد حنفیه فرمودند:

وَ اللَّهُ يَا أَخِي لَوْ كُنْتُ فِي جُحْرِ هَامَةَ مِنْ هَوَامِ الْأَرْضِ لَأَسْتَخْرَجُونِي مِنْهُ حَتَّى يَقْتُلُونِي؛<sup>۲</sup>

به خدا سوگند! اگر من در لانه پرنده‌ای باشم مرا بیرون می‌آورند تا باریختن خون من به اهداف پلید و ظالمانه خود برسند.

#### دو هجرت اجباری امام حسین علیه السلام

درباره آیه «الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ» این واقعه تاریخی به ذهن خطور می‌کند که آن قدر هجمه بنی امیه به آن حضرت برای بیعت گرفتن زیاد شده بود که دو هجرت اجباری بر ایشان تحمیل شد: از مدینه به مکه و از مکه به عراق.

#### ۱. هجرت اجباری از مدینه منوره به مکه معظمه

بعد از شهادت حضرت امام حسن علیه السلام شیعیان در عراق به حرکت در آمده، نامه‌ای به حضرت امام حسین علیه السلام نوشتند که ما معاویه را از خلافت خلع کرده با شما بیعت می‌کنیم حضرت علیه السلام در آن وقت صلاح در آن امر ندانسته و لذا امتناع نمودند و

۱. الکافی، ج ۸، ص ۳۳۷.

۲. بحار الأنوار ج ۴۵ ص ۹۹.

عراقی‌ها را به صبر امر فرمودند تا انقضا مدت خلافت معاویه پس چون معاویه - علیه اللعنه - در شب نیمه ماه رجب سال شصتم هجری از دنیا رفت فرزندش یزید - علیه اللعنه - به جای او نشست و درصدد محکم کردن پایه‌های حکومت خود برآمد، بر این اساس نامه‌ای به ولید بن عتبه بن ابی سفیان که از جانب معاویه حاکم مدینه بود نوشت؛ به این مضمون که: ای ولید! باید از ابو عبدالله الحسین و عبدالله بن عمر و عبدالله بن زبیر و عبد الرحمن بن ابی بکر بیعت بگیری و باید عرصه را بر این افراد تنگ و سخت نمایی تا مجبور به بیعت شوند و عذری از ایشان را قبول ننما و هر کدام از بیعت امتناع نماید سر از تنش جدا کن و فوراً برای من روانه کن.

بعد از تلاش‌های عمال یزید در بیعت گرفتن از امام حسین علیه السلام در همین ایام در یکی از کوچه‌های مدینه مروان امام حسین علیه السلام را ملاقات کرد و گفت: یا ابا عبدالله! من تو را نصیحت می‌کنم، حرف مرا بپذیر و نصیحت مرا قبول کن. حضرت علیه السلام فرمودند: پیشنهادت چیست؟ گفت: با یزید بیعت کن که این امر به نفع دین و دنیای توست. کلمات حیرت انگیز مروان باعث شد که حضرت علیه السلام فرمودند:

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَعَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ إِذْ قَدْ بُلِّغَتِ الْأُمَّةُ بِرَأْعٍ مِثْلَ يَزِيدَ وَ لَقَدْ سَمِعْتُ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ الْخِلَافَةُ مُحَرَّمَةٌ عَلَى آلِ أَبِي سُفْيَانَ؛<sup>۱</sup>

فاتحه اسلام را باید خواند هنگامی که امت اسلام به خلیفه‌ای مانند یزید مبتلا شده است. من از جدم رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیدم که می‌فرمودند: خلافت بر آل ابی سفیان حرام است.

با چنین تهدیداتی امام حسین علیه السلام در ۲۸ رجب، عازم مکه شد و در هنگام خروج از مدینه به همراه اهل بیتش، بر سر مزار جدش پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مادرش فاطمه علیه السلام و برادرش حسن علیه السلام رفت و با آنها وداع نمودند.

شیخ مفید رحمته الله نقل می‌کند<sup>۲</sup> که امام علیه السلام در وقت بیرون رفتن از مدینه این آیه را تلاوت نمودند:

﴿فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الظَّالِمِينَ﴾<sup>۳</sup>

۱. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۲۶.

۲. الارشاد، ج ۲، ص ۳۵.

۳. قصص، آیه ۲۱. این آیه درباره با قصه بیرون رفتن حضرت موسی است از ترس فرعون به سوی مَدْيَن.



پس بیرون رفت از شهر در حالتی که ترسان بود و انتظار رسیدن دشمنان را می‌کشید گفت: پروردگارا مرا از گروه ستم‌کاران نجات بخش.

#### خبر شهادت امام حسین علیه السلام توسط ام سلمه<sup>۱</sup>

قطب راوندی نقل می‌کند که ام سلمه، همسر گرامی حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله در وقت خروج آن حضرت به ایشان عرض کرد: ای فرزند، مرا به بیرون رفتن به سوی عراق اندوهناک مکن؛ زیرا من از جد بزرگوارت شنیدم که می‌فرمود: که فرزند دلبند من حسین علیه السلام در زمین عراق کشته خواهد شد؛ در زمینی که آن را کربلا گویند.<sup>۲</sup> حضرت فرمود:

ای مادر به خدا سوگند که من نیز بر این مطلب آگاهم و می‌دانم که قطعاً کشته می‌شوم و چاره‌ای جز رفتن ندارم و این هجرت، امر الهی است، به خدا قسم! می‌دانم در چه روزی کشته خواهم شد و قاتل خود و مکانی را که در آن مدفون خواهم شد و آنان را که با من کشته می‌شوند می‌شناسم.

سپس حضرت علیه السلام فرمودند:

يَا أُمَّهُ قَدْ شَاءَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَرَانِي مَقْتُولًا مَذْبُوحًا ظُلْمًا وَعَدُوَانًا وَقَدْ شَاءَ أَنْ يَرِي حَرَمِي وَرَهْطِي وَنِسَائِي مُشْرَدِّينَ وَأَطْفَالِي مَذْبُوحِينَ مَظْلُومِينَ مَأْسُورِينَ مَقِيدِينَ وَهُمْ يَسْتَفِيثُونَ فَلَا يَجِدُونَ نَاصِرًا وَلَا مُعِينًا<sup>۳</sup>

ای مادر! خداوند مقدر فرموده که مرا چنین ببیند که من به جور و ستم شهید گردم و اهل بیت و زنان و جماعت مرا متفرق و پراکنده ببیند و اطفال مرا مذبح و اسیر در غل و زنجیر نظاره فرماید در حالتی که ایشان استغاثه کنند و هیچ ناصری و معینی نیابند.

#### ۲. هجرت اجباری از مکه به عراق (کربلا)

وقتی حضرت سیدالشهدا علیه السلام، از بیم مخالفتش که سعی در بیعت گرفتن برای یزید بودند و با توجه به کثرت نامه‌های کوفیان،<sup>۴</sup> مدینه منوره را بالاجبار ترک کردند در سخنانی به اصحابشان چنین فرمودند:

۱. منتهی الآمال، ج ۱، ص ۷۵.  
 ۲. بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۸۹.  
 ۳. همان، ج ۴۴، ص ۳۳۱ و ۳۳۲.  
 ۴. تَوَاتَرَتِ الْكُتُبُ حَتَّى اجْتَمَعَ عِنْدَهُ فِي نَوْبٍ مُتَفَرِّقَةٍ إِثْنَا عَشَرَ أَلْفَ كِتَابٍ (بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۳۲؛ اللهوف، ص ۳۲؛ مثیر الأحران، ص ۲۵)

اللَّهُمَّ إِنَّا عَتَرَهُ نَبِيَّكَ مُحَمَّدٍ وَقَدْ أُخْرِجْنَا وَطَرِدْنَا وَأُزْعِجْنَا عَنْ حَرَمِ جَدِّنا وَتَعَدَّتْ بَنُو أُمِّيَّةَ عَلَيْنَا؛<sup>۱</sup>

خدایا ما اهل بیت رسالت محمد ﷺ هستیم که بنی امیه بر ما سخت گرفته‌اند و به ما تعدی می‌کنند و ما را از حرم جدمان بیرون می‌اندازند.

به ناچار امام حسین علیه السلام از حرم نبوی صلی الله علیه و آله در سوم ماه شعبان سال ۶۰ هجری وارد مکه شدند و مکه معظمه را به نور قدوم خود منور گردانید، در ایام باقی‌مانده از ماه شعبان و ماه‌های رمضان و شوال و ذی‌القعدة در آنجا به عبادت حق مشغول بودند و در آن مدت نیز جمعی از شیعیان از اهل حجاز و بصره نزد آن حضرت جمع شدند، و چون ماه ذی‌الحجه فرا رسید حضرت، احرام به حج بستند، و چون روز ترویبه (هشتم ذی‌الحجه) شد عمرو بن سعید بن عاص با جماعت بسیاری به بهانه حج به مکه آمدند، و از جانب یزید مأمور بودند که آن حضرت را گرفته به نزد او برند یا آن جناب را به قتل رسانند. حضرت چون بر مکنونات قلبی آنها مطلع بود از احرام حج به غم‌ره عدول نموده و طواف خانه و سعی ما بین صفا و مروه به جا آورده و مُحَلَّ شَد و در همان روز متوجه عراق گردید.<sup>۲</sup>

### فصل سوم: پیمان شکنی کوفیان و اندک بودن یاران آن حضرت

#### مبحث اول: تأویل آیه

سومین آیه شریفه‌ای که در سوگ امام حسین علیه السلام وارد شده است آیه شریفه ۷۷ سوره مبارکه نساء است که به این واقعیت اشاره دارد که آن حضرت علیه السلام در راه مبارزه با دژخیمان اموی و احیا سیره نبوی و علوی، تنها بود و یارانش نیز بسیار اندک بودند:

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْ لَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا﴾<sup>۳</sup>

۱. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۸۳.

۲. منتهی الآمال، ج ۱، ص ۶۷۰.

۳. نساء، آیه ۷۷.

آیا ندیدی کسانی را که [پیش از اعلام حکم جهاد] به آنان گفته شد: [چون زمینه جنگ فراهم نیست] دست از جنگ بازدارید و [در این شرایط] نماز را بر پا دارید، و زکات پردازید. ولی هنگامی که جنگ بر آنان لازم و مقرر شد، ناگاه گروهی از آنان مانند ترس از [عقوبت] خدا یا ترسی سخت‌تر از آن از مردم [مُشْرک] ترسیدند و گفتند: پروردگارا! چرا جنگ را بر ما لازم و مقرر کردی؟ و چرا ما را تا زمانی نزدیک [که زمان مرگ طبیعی است] مهلت ندادی؟ بگو: متاع دنیا اندک، و آخرت برای آنان که تقوا ورزیده‌اند بهتر است و به اندازه رشته میان هسته خرما مورد ستم قرار نمی‌گیرند.<sup>۱</sup>

در تفسیر این آیه شریفه از حسن بن زیاد روایت است که او می‌گوید از امام صادق علیه السلام در رابطه با این آیه شریفه سؤال کردم ایشان در پاسخ فرمودند: صدر آیه شریفه «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ» در مورد امام حسن علیه السلام است که خداوند او را به دست نگاه داشتن از پیکار فرا خواند ولی فراز بعدی آیه شریفه «فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ» در رابطه با امام حسین علیه السلام و همه مردمی است که بر روی زمین به همراه امامشان، در راه حق و عدالت، به جهاد بر می‌خیزند.<sup>۲</sup> بنابراین تأویل این آیه شریفه چنین خواهد شد:<sup>۳</sup>

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ مَعَ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ... فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ مَعَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْ لَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ إِنِّي خُرُوجِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّ مَعَهُ النَّصْرَ وَالظَّفَرَ قَالَ اللَّهُ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا تُظَلِّمُونَ فَتِيلًا؛

آیا ندیدی کسانی را که به آنها گفته شد: اینک با امام حسن علیه السلام از جهاد و قتال دست بردارید و به جهاد فکری و عقیدتی پردازید و نماز اقامه کنید و در زمانی که پیکار در راه خدا به همراه امام حسین علیه السلام بر آنها واجب شد گفتند: خدایا چرا بر ما جهاد را مقرر فرمودی؟ چرا تا زمان ظهور آخرین امام به ما مهلت ندادی؟ چرا که قیام او همراه با پیروزی همه جانبه و غلبه کامل بر کفر و شرک و نفاق خواهد بود. در همین مضمون روایتی از امام صادق علیه السلام نیز وارد شده است.<sup>۴</sup>

۱. ترجمه انصاریان، ص ۹۰.

۲. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۲۰؛ تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۵۸.

۳. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۵۸؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۵۱۹.

۴. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۱۷.

## مبحث دوم: پیمان شکنی کوفیان

افراد هستند که نان به نرخ روز می‌خورند یا بنا به گفته امام علی علیه السلام حزب بادند و هَمَجٌ رَعَاغٌ هستند: «أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعِقٍ يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ»<sup>۱</sup> و هر روز سنگ عده خاصی را به سینه می‌زنند، اگر نفعشان در تظاهر به دین و دینداری باشد، دیندار می‌شوند و اگر نه دین را به کناری می‌اندازند و آن را لگد کوب می‌کنند.

عده‌ای در زمان امام حسین علیه السلام در کوفه یا در بلاد دیگر چنین بودند؛ در وقت جهاد، آن حضرت را علی رغم نامه‌های زیادی که داده و اعلان وفاداری نموده بودند، تنها گذاشتند و به نوعی در قتل آن حضرت شریک شدند. امام حسین علیه السلام در روز دوم محرم هنگام ورود به کربلا رو به اصحابشان نمودند و فرمودند:

النَّاسُ عِبِيدُ الدُّنْيَا وَ الدِّينُ لِعِقْ عَلِيٍّ أَلْسِنَتِهِمْ يَحُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ فَإِذَا مُحْصُوا  
بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ؛<sup>۲</sup>

مردم بنده دنیا [ و مال ]<sup>۳</sup> هستند و نگاه آنان به دین، ابزاری و منفعت طلبانه است؛ در زمان نیاز، به گرداگرد دین می‌چرخند و هنگامی که نفع آنها در دین نباشد، آن را رها می‌کنند.

بر این اساس این آیه شریفه بنا بر آنچه ذکر شد، مربوط است به پیمان شکنان کوفه که در وقت عمل و کار زار، تحرکی از خود نشان ندادند:

فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ مَعَ الْحُسَيْنِ علیه السلام قَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا؛  
و هنگام همراهی با امام حسین علیه السلام در کربلا بهانه آوردند و گفتند: خدا یا چرا جهاد را بر ما واجب کردی؟

اما امروزه شیعیان آرزو دارند که در آن زمان حضور می‌داشتند و در کنار آن امام شهید به آن فوز و رستگاری عظیم نائل می‌آمدند، به همین سبب است که در عبارت‌های مختلف مربوط به زیارت امام حسین علیه السلام این آرزوی همراهی با آن حضرت به چشم می‌خورد:

۱. همان، ج ۱، ص ۱۸۸.

۲. همان، ج ۴۴، ص ۱۹۵.

۳. و در جای دیگری ایشان چنین فرمودند: النَّاسُ عِبِيدُ الْمَالِ وَ الدِّينُ لِعَوْنِ عَلِيٍّ أَلْسِنَتِهِمْ يَحُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ بِهِ مَعَايِشُهُمْ فَإِذَا مُحْصُوا لِلْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ. (بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۱۹۵)

وَاللّٰهُ يَأْتِيَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا؛<sup>۱</sup>

به خدا قسم ای کاش من با شما بودم و به آن سعادت عظیم [که جهاد در راه حق و شهادت باشد] نائل می‌شدم.

**مبحث سوم: یاران اندک امام حسین علیه السلام**

اقوال گوناگون درباره وجود دارد:

بنا به روایتی از امام باقر علیه السلام لشکر حق علیه باطل چهل و پنج نفر سواره و صد نفر پیاده گفته شده است که در مجموع ۱۴۵ نفر ذکر شده است:

أَتَهُمْ كَانُوا خَمْسَةً وَأَرْبَعِينَ فَارِسًا وَمِائَةً رَاجِلًا؛<sup>۲</sup>

بر اساس اسامی شهدایی که در زیارت ناحیه مقدسه<sup>۳</sup> آمده است تعداد یاران آن حضرت هفتاد و شش نفر ذکر شده است.

بر اساس روایتی در کتاب اختصاص که یاران آن حضرت را کسانی معرفی می‌کند که با آن حضرت به مقام رفیع شهادت رسیده‌اند:

أَصْحَابُ الْحُسَيْنِ علیه السلام جَمِيعٌ مِّنْ اسْتَشْهَدَ مَعَهُ.<sup>۴</sup>

و با توجه به گزارشی تاریخی از وقایع عاشورا، مشخص خواهد شد که اصحاب آن حضرت علیه السلام هفتاد و هشت نفر بودند:

رُويَ أَنَّ رُؤُوسَ أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ كَانَتْ ثَمَانِيَةً وَسَبْعِينَ رَأْسًا.<sup>۵</sup>

علامه مجلسی چنین آورده است:

... وَرَدَ نَعْيُ الْحُسَيْنِ عِ الْمَدِينَةَ وَقَتْلُ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَثَلَاثٍ وَخَمْسِينَ رَجُلًا مِنْ شِيعَتِهِ؛<sup>۶</sup>

خبر شهادت امام حسین علیه السلام و ۱۸ نفر از خویشان و ۵۳ نفر از یارانش به مدینه رسید.

۱. قسمتی از زیارت مضجع شریف آن حضرت ۷ در کربلا. (من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۹۵)

۲. بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۴؛ اللهوف، ص ۱۰۰؛ مثیر الأحران، ص ۵۴.

۳. همان، ج ۹۸، ص ۲۳۱.

۴. همان، ج ۴۴، ص ۲۰۰.

۵. همان، ج ۴۵، ص ۶۲؛ اللهوف، ص ۱۴۳.

۶. همان، ج ۴۵، ص ۳۲۸.

بنابر این، نظر مجموع شهدای کربلا با خود آن حضرت علیه السلام ۷۲ نفر<sup>۱</sup> خواهد بود که این قول بین مردم معروف و مشهور است.

بنا به نقل محدث محلاتی در کتاب فرسان الهیجاء شهدای کربلا ۲۱۷ بودند.<sup>۲</sup> بنابر نظریه علامه امینی تعداد شهداء کربلا ۱۳۶ نفر است؛<sup>۳</sup> ۳۰ نفر از بنی هاشم و بقیه از اصحاب آن حضرت.<sup>۴</sup>

در مقام جمع بین اقوال متفاوتی که ذکر شد، شاید بتوان گفت که علت این اختلافات در شمارش شهدای کربلا این باشد که عده‌ای در شمارش، کل شهدای نهضت حسینی را لحاظ نموده باشند مثلاً مسلم و هانی و... را که در کوفه به شهادت رسیدند را نیز جزء این شهدا محسوب نموده باشند و عده‌ای دیگر فقط شهدای روزدهم را شمارش نموده باشند یا شاید برخی از آمارها مربوط به روزهای نخست باشد که طبعاً احتمال رفتن شماری از آنها وجود دارد.

در هر صورت، تعداد یاران آن حضرت در مقابل لشکریان یزید اندک و ناچیز است. اگر میانگین این تعداد یاران را که در اقوال مختلف ذکر شد را حساب نمائیم ۱۲۰ نفر خواهد شد و اگر این تعداد در مقابل یزیدیان قرار دهیم باید هر نفر از یاران امام حسین علیه السلام با آن شرایط سخت تشنگی در خوش‌بینانه‌ترین صورت باید با ۲۵۰ نفر از لشکریان یزید می‌جنگید. در روایتی از امام صادق علیه السلام یزیدیان را سی هزار نفر ذکر می‌کند: «قَالَ يَزِيدُونَ ثَلَاثِينَ أَلْفًا».<sup>۴</sup> البته نقل‌های تاریخی دیگر این افراد را صد هزار نفر نیز ذکر نموده‌اند.

اما امام حسین علیه السلام با همین یاران اندک، ولی با وفا حرکتی را آفریدند که تا به امروز چراغ راه مظلومان ظلم ستیز است.

نزدیک شب عاشورا که شد، امام حسین علیه السلام یاران خود را گرد آورد، امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: علی‌رغم بیماریم نزدیک شدم تا ببینم، پدرم به یارانش چه می‌گوید، شنیدم که ایشان رو به اصحابشان نمودند و فرمودند:

۱. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۱۶.

۲. فرسان الهیجاء، ج ۲، ص ۱۵۴.

۳. اعیان الشیعه، چاپ ارشاد، ج ۱، ص ۶۱۰ - ۶۱۲.

۴. الکافی، ج ۱، ص ۱۷۵.

همانا من یارانی با وفاتر و بهتر از یاران خود سراغ ندارم، و خاندانی نیکو کردارتر و مهربان‌تر از خاندان خود ندیدم، خدای متعال به شما پاداش نیکو دهد. «أَنَا وَ إِنِّي لَأُظَنُّ يَوْمًا لَنَا مِنْ هَؤُلَاءِ» آگاه باشید که من گمان یاری کردن از جانب این مردم را ندارم...<sup>۱</sup>

بعد از سخنان حضرت در شب عاشورا در گرداگرد یارانش و رخصت دادن به آنها برای ترک بیعت، برادران و فرزندان امام حسین علیه السلام و پسران عبدالله بن جعفر گفتند:

لَمْ نَفْعَلْ ذَلِكَ لِتَبَقَى بَعْدَكَ لَأَ أَرَانَا اللَّهَ ذَلِكَ أَبَدًا؛<sup>۲</sup>

تو را رها کنیم؟! و برویم و بخواهیم که بعد از تو زنده باشیم؟! خداوند چنین چیزی را برای ما نخواهد!

اولین کسی که ابراز وفا داری نمود حضرت قمر بنی هاشم عباس علیه السلام بود<sup>۳</sup> و سپس دیگر اصحاب ابراز وفاداری نمودند.

#### فصل چهارم: شهادت امام حسین علیه السلام

چهارمین آیه در اشاره به سوگ امام حسین علیه السلام، آیه شریفه‌ای است که به هنگام شهادتش بدان ندا داده شد:<sup>۴</sup>

﴿يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ \* ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً \* فَادْخُلِي فِي عِبَادِي \*  
وَ ادْخُلِي جَنَّاتِي﴾؛<sup>۵</sup>

ای جان آرام گرفته و اطمینان یافته! به سوی پروردگارت در حالی که از او خشنودی و او هم از تو خشنود است، باز گرد. پس در میان بندگانم در آی و در بهشتم وارد شو.<sup>۶</sup>

#### مبحث اول: مراتب نفس و کمال نفسانی و آرامش روحی

نفس انسان دارای مراتب و درجات متعدد است و مهم‌ترین مراتب آن، سه مرتبه است:<sup>۱</sup>

۱. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۹۲.

۲. الإرشاد، ج ۲، ص ۹۱؛ اللهوف، ص ۹۱.

۳. اللهوف، ص ۹۱.

۴. تأویل الآيات الظاهرة، ص ۷۶۸.

۵. الفجر، آیات ۲۷ و ۲۸.

۶. ترجمه انصاریان، ص ۵۹۴.

۱. مرتبه اول نفس اماره است و آن چنان است که امر به بدی می‌کند، یعنی، به آنچه که نفس آن را می‌خواهد خواه در صورت خیر باشد یا در صورت شر، نه از کار بد بازمی‌گردد و نه پشیمان می‌شود.

۲. مرتبه دوم نفس لوامه است که نفس را ملامت و سرزنش می‌کند در هر کاری که انجام می‌دهد خوب باشد یا بد و از جهت بد بودن فعل، یا از آن جهت که از درجه کمال ناقص است، یا از آن جهت که نسبت کار را به خودش می‌دهد، اندوهناک می‌گردد.

۳. و مرتبه سوم نفس مطمئنه است از آن جهت که به پروردگارش مطمئن و آرام است و از انانیت خویش که سبب اضطراب است، خارج گشته است. علامه طباطبائی رحمته الله می‌فرماید: «نفس مطمئنه» نفسی است که با ایمان به پروردگار و یاد او سکونت یافته، به مقام رضا رسیده است.<sup>۲</sup>

#### مبحث دوم: تأویل این آیه:

در این آیه دو تأویل در روایات ذکر شده است:

۱. مراد از این آیه شریفه ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است:<sup>۳</sup>

﴿ يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنِّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً ۖ قَالَ إِذَا حَضَرَ الْمُؤْمِنَ الْوَفَاءُ نَادَىٰ مُنَادٍ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ ﴿ يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنِّةُ ارْجِعِي رَاضِيَةً ۖ بَوْلَاءِ عَلِيِّ عليه السلام مَرْضِيَّةً بِالْثَوَابِ ۖ فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي ۖ فَلَا يَكُونُ لَهُ هِمَّةٌ إِلَّا اللَّحُوقُ بِالنَّدَاءِ ۖ﴾<sup>۴</sup>

در تأویل این آیه آمده است که هنگامی که مرگ بر مؤمنی وارد می‌شود هاتفی ندا می‌دهد: ای مؤمن با رضایت به ولایت علی علیه السلام باز گرد تا از ثواب ولایت‌مداری آن حضرت راضی و خشنود شوی پس با گروه عبادت‌کنندگان وارد بهشت

۱. ترجمه بیان السعادة، ج ۱۴، ص ۵۳۵.

۲. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۲۸۵؛ ترجمه المیزان، ج ۲۰، ص ۴۷۷.

۳. تأویل الآيات الظاهرة، ص ۷۶۹. و أما تأويله قال محمد بن العباس رحمه الله حدثنا الحسين بن أحمد عن محمد بن عيسى عن يونس بن يعقوب عن عبد الرحمن بن سالم عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله عز وجل يا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنِّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي قال نزلت في علي بن أبي طالب عليه السلام.

۴. بحار الأنوار، ج ۶، ص ۱۸۲؛ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۴۲۲؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۷۷.



جاودانه شو. در چنین حالی مؤمن تنها دغدغه اش پیوستن به متمسکین به ولایت امیر المؤمنین علی علیه السلام است.

۲. مراد از این آیه شریفه امام حسین علیه السلام است:<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام فرمودند: سوره فجر را در نمازهای واجب و مستحبیتان بخوانید و به آن گرایش زیادی داشته باشید، چرا که سوره امام حسین علیه السلام است. ابواسامه به امام صادق علیه السلام گفت: چطور این سوره اختصاص به امام حسین علیه السلام دارد؟! امام علیه السلام در پاسخ فرمودند: آیا تا به حال آیه «يا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي» را نشنیده‌ای؟ مراد از نفس مطمئنه در این آیه حسین بن علی علیه السلام است:

فَهُوَ ذُو النَّفْسِ الْمُطْمَئِنَّةِ الرَّاضِيَةِ الْمَرْضِيَّةِ وَأَصْحَابُهُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ  
الرضوان [هُمُ الرَّاضُونَ] عَنِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ رَاضٍ عَنْهُمْ وَهَذِهِ السُّورَةُ فِي  
الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام وَشِيعَتِهِ وَشِيعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً فَمَنْ أَدْمَنَ قِرَاءَةَ الْفَجْرِ كَانَ مَعَ  
الْحُسَيْنِ علیه السلام فِي دَرَجَتِهِ فِي الْجَنَّةِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ<sup>۲</sup>

امام حسین علیه السلام و اصحاب جانبازش همان نفس راضیه مرضیه هستند آنها از خدای متعال راضی‌اند و خدا نیز از آنها رضایت کامل دارد و این سوره، سوره حسین بن علی علیه السلام و اصحابش و سوره شیعیان آل محمد علیهم السلام است و کسی که به خواندن این سوره مداومت بورزد در بهشت برین الهی هم درجه و هم جایگاه با امام حسین علیه السلام خواهد بود.

### فصل پنجم: مقتل و شرایط و حالات آن حضرت

پنجمین آیه در اشاره به مقتل و شرایط و حالات جان‌سوز آن امام همام علیه السلام است و آن نخستین آیه از سوره مریم علیه السلام است: «كهيعص».

مفسران در این حروف مقطعه و رموزی که این حروف در بر دارند، اختلاف نموده‌اند؛ در حدیثی آمده است که این حروف، هر کدام ابتدای نامی از اسماء حسناي خداوند هستند، سفیان ثوری از امام صادق علیه السلام حدیثی مفصل روایت کرده که در آن آمده است: كهيعص معنایش چنین است:

۱. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۳۵۰. عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي قَوْلِهِ يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ الْآيَةُ يَعْنِي الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ علیه السلام

۲. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۹۳؛ تأویل الآيات الظاهرة، ص ۶۹۹.

من کافی هستم، هادی هستم، ولی هستم، عالم هستم و صادق الوعد هستم<sup>۱</sup>.

اما آنچه شاهد بحث ماست این است که در حدیثی از حضرت مهدی علیه السلام روایت شده که فرمودند:

در این حروف اشاراتی به واقعه کربلاست، یعنی کاف رمز کربلاست و هاء، رمز هلاکت (شهادت) عترت رسول الله و یاء اشاره به یزید علیه اللعنه است که بر حسین بن علی علیه السلام ستم کرد و عین حاکی از عطش اوست و صاد اشاره به صبر آن حضرت است.<sup>۲</sup>

روایت چنین است که زکریا علیه السلام از خدای متعال خواست که نام مقدس پنج‌گانه را به او بیاموزد لذا خداوند حضرت جبرائیل علیه السلام را به سوی او فرستاد و آن اسماء را به وی تعلیم نمود اما زکریا هنگامی که نام محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسن علیه السلام را به زبان آورد غم و اندوه از او زائل شد، ولی با به زبان آوردن نام مبارک حسین علیه السلام گلویش از اندوه فشرده شد و موج بهت زدگی او را فرا گرفت. روزی که به بارگاه خدایش آمده بود، گفت:

خدایا چرا من هنگامی که نام چهار تن از پنج نور مقدس را به زبان آورم از غم و اندوه خویش، رهایی می‌یابم اما نام حسین علیه السلام اشک‌هایم را جاری می‌کند و نالهٔ جانسوزم را بر می‌انگیزد؟!

خداوند او را از رخداد عظیمی که بعدها به وقوع می‌پیوندد خبر داد و فرمود:

كَهَيْبِصَ فَأَلْكَافُ اسْمُ كَرْبَلَاءَ وَالْهَاءُ هَلَاكُ الْعِثْرَةِ الطَّاهِرَةِ وَالْيَاءُ يَزِيدُ وَهُوَ ظَالِمُ الْحُسَيْنِ وَالْعَيْنُ عَطَشُهُ وَالصَّادُ صَبْرُهُ؛

«کاف» رمز کربلاست و «ها»، رمز هلاکت عترت رسول الله و «یاء» اشاره به یزید - علیه اللعنه - است که بر حسین بن علی علیه السلام ستم کرد و «عین» حاکی از عطش اوست و «صاد» اشاره به صبر آن حضرت است.

هنگامی که زکریا علیه السلام این حادثه را شنید سه روز در مسجد ماند و از ورود مردم جلوگیری کرد و به گریه و شیون بر حسین علیه السلام مشغول شد و این‌گونه بر او مرثیه‌سرایی نمود:

۱. تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۳۲۰؛ تفسیر هدایت، ج ۷، ص ۱۲؛ بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۳۷۳.  
۲. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۲۳.

بار خدایا! آیا بهترین مخلوقات خویش محمد ﷺ را دچار فاجعه شهادت فرزندش می‌سازی؟

آیا او را دچار مصیبت و اندوه می‌سازی؟

آیا بر علی و فاطمه علیهما السلام لباس مصیبت را می‌پوشانی؟

خداوند! آیا غم و رنج این مصیبت خورد کننده را در خانه آنان فرود می‌آوری؟  
بار خدایا! به من پسری ارزانی کن و او را در پیری مایه روشنی چشم من قرار ده  
و آن‌گاه که او را به من ارزانی داشتی، مرا شیفته او بنما و در آن هنگام، همان‌گونه  
که بنده محبوب محمد ﷺ را به مصیبت شهادت غمبار فرزندش گرفتار ساختی،  
مرا نیز به فاجعه شهادت فرزندم مبتلا نما.

خداوند متعال دعای زکریا را اجابت نمود و به او یحیی علیہ السلام را ارزانی داشت و او را  
به مرگ فرزندش گرفتار ساخت. از شباهت‌های جالب این دو فرزند این بود که هر دو  
در شش ماهگی متولد شدند.

### فصل ششم: خون‌خواهی آن حضرت به هنگام رجعت

ششمین آیه مربوط است به خون‌خواهی آن حضرت به هنگام رجعت توسط  
امام زمان علیہ السلام:

﴿... وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا﴾<sup>۱</sup>  
و هر کس مظلوم [و به ناحق] کشته شود، برای وارثش تسلطی بر قاتل [جهت  
خون‌خواهی، دیه و عفو] قرار داده‌ایم، پس وارث مقتول نباید در کشتن زیاده روی  
کند زیرا او [با قوانین صحیح و درستی چون دیه و قصاص] مورد حمایت قرار  
گرفته است.<sup>۲</sup>

از امام باقر علیہ السلام منقول است که ایشان فرمودند: این قسمت از آیه، اشاره به امام  
حسین علیہ السلام دارد.<sup>۳</sup>

وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَزَلَتْ فِي قَتْلِ  
الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا أَيُّ وَلِيِّ الْحُسَيْنِ كَانَ مَنْصُورًا.

صاحب تأویل الآيات می‌نویسد: معنای این بخش آیه بر اساس روایات این است که:

۱. اسراء، آیه ۳۳.

۲. ترجمه انصاریان، ص ۲۸۵.

۳. تأویل الآيات الظاهرة، ص ۲۷۴.

أَنَّ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قُتِلَ مَظْلُومًا وَ اللَّهُ تَعَالَى قَدْ جَعَلَ لَوْلِيَّهِ وَ هُوَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ الْقُدْرَةَ عَلَى أَعْدَائِهِ إِذَا قَامَ بِأَمْرِ اللَّهِ فَلَوْ قَتَلَ مِنْهُمْ مَهْمًا قَتَلَ لَمْ يَكُنْ فِي ذَلِكَ مُسْرِفًا لِأَنَّهُ كَانَ مَنصُورًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِ؛<sup>۱</sup>

امام حسین علیه السلام مظلومانه به شهادت رسید و خداوند متعال برای ولی او که همان حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام است قدرت بر قصاص قرار داده است و زمانی که امام زمان علیه السلام بیاید و حکومت تشکیل دهد قاتل امام حسین علیه السلام را مجازات خواهد نمود و در این کار از حکم الهی تجاوز نخواهد نمود چرا که او از جانب الهی بر دشمنانش غلبه خواهد کرد.<sup>۲</sup>

#### قاتل امام حسین علیه السلام چه کسی است؟

اما نکته‌ای در اینجا به ذهن می‌آید، این است که چه کسی قاتل امام حسین علیه السلام است؟ تا در قبال قتل امام حسین علیه السلام به مجازات برسد و قصاص شود؟! یزید یا ابن زیاد؟ شمر یا ابن سعد و یا خولی؟ کدام یک؟ آیا کسانی که آخرین ضربات کاری و ناجوانمردانه را بر پیکر بی جان آن حضرت وارد نمودند کسانی مانند سنان و صالح بن وهب و یا آن ملعونی که تیر سه شاخه به قلب نازنین حضرت نشانه رفت. در زیارت عاشورا همه کسانی که به نوعی در قتل امام حسین علیه السلام نقش آفرینی نموده‌اند را قاتل معرفی می‌کند:

اللَّهُمَّ فَضَاعِفْ عَلَيْهِمُ اللَّغْنَةَ أَبَدًا لِقَتْلِهِمُ الْحُسَيْنِ.<sup>۳</sup>

یا در زیارت عاشورا معروفه چنین آمده است:

لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلْتَكُمْ.

اما در بعضی از روایات قاتل امام علیه السلام مورد یا فرد خاصی مانند یزید،<sup>۴</sup> ابن مرجانه<sup>۵</sup> معرفی شده است.

۱. همان.

۲. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا... وَ قَالَ الْمُقْتُولُ الْحُسَيْنُ وَ وَلِيُّهُ الْقَائِمُ. (بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۱۸؛ تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۹۰)

۳. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۲۹۳.

۴. همان، ج ۴۴، ص ۲۴۳.

۵. همان، ج ۴۵، ص ۱۶۲. (لَعَنَ اللَّهُ ابْنَ مَرْجَانَةَ فَوَ اللَّهُ مَا أَمْرُهُ بِقَتْلِ أَبِيكَ وَ لَوْ كُنْتَ مُتَوَكِّئًا لِقِتَالِهِ مَا قَتَلْتَهُ)

در نهایت درباره با قاتل ظاهری و مادی آن حضرت چنین می‌توان گفت که همه این ملعونین که یا با قدرت یا با زبان خویش یزید را یاری نمودند، از قاتلان حضرت محسوب می‌شوند چرا که هر کدام به نوعی در قتل آن حضرت شرکت داشته و سهیم بودند: «لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ بِالْأَيْدِي وَاللُّسُن»<sup>۱</sup> و حتی کسانی که از خبر شهادت آگاه شدند و به آن راضی بودند نیز از قاتلین آن حضرت محسوب خواهند شد: «وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً بَلَغَهَا ذَلِكَ، فَرَضِيَتْ بِهِ»<sup>۲</sup>.

در برخی روایات نیز با نگاه دقیق تری به این امر پرداخته شده است: غم و اندوه و رنج و گرفتاری سختی که برای دین و جامعه از فتنه‌ها و بدعت‌های اموی پدید آمده بود، بر قلب مبارکش فشار آورد و آن حضرت را از پای در آورد. در روایتی از امام صادق علیه السلام منقول است که امام حسین علیه السلام فرمودند:

أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ قُتِلْتُ مَكْرُوبًا؛<sup>۳</sup>

من کشته اشک هستم و این اندوه و غم‌ها بودند که مرا کشتند.

همان‌گونه که گذشت انتقام امام حسین علیه السلام توسط ولی دم او گرفته خواهد شد. این تفسیر گویای این مطلب است که این انتقام در همین دنیا گرفته می‌شود و می‌توان گفت که مراد همان بحث رجعت است که یکی از معتقدات شیعه محسوب می‌شود.

### فصل هفتم و هشتم: سوگ جان‌گداز امام حسین علیه السلام

هفتمین و هشتمین آیه در اشاره به سوگ جان‌گداز امام حسین علیه السلام آیاتی است که بیانگر انتقام از خون به ناحق ریخته شده او در روز قیامت دارد؛

﴿وَإِذَا الْمَوْؤُدَةُ سُئِلَتْ﴾

و هنگامی که از زنده به گور پرسند.<sup>۴</sup>

در آیات سوره تکویر شش مسئله عنوان شده که دو مسئله راجع به انسان و بقیه راجع به مقدمات قیامت است.

۱. همان، ج ۹۸، ص ۲۱۸.

۲. همان، ص ۲۶۶.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۲۲؛ بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۷۹؛ کامل الزیارات، ص ۱۰۹.

۴. ترجمه انصاریان، ص ۵۸۶.

اما آنچه شاهد بحث این است که این آیه «وَ إِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ» اگرچه یک مطلب جزئی است و در ردیف موضوعات ما قبل و ما بعد نیست، زیرا آیات دیگر به رویدادهای سهمگین رستاخیز همچون تیره و تار شدن خورشید و... مربوط است ولی به نظر می آید که این مسئله به قدری هولناک است که لازم بوده در ردیف آنها مطرح شود، بعضی آن را سمبل حقوق ضایع شده دانسته اند<sup>۱</sup>، که اشاره است به همان جریان ناپسند زنده به گور کردن دختران که در میان بعضی از قبائل عرب عادت بود چنان که در آیه «وَ إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا»<sup>۲</sup> به آن اشاره شده است.

بعضی چنین گفته اند که: <sup>۳</sup> مؤؤوده از ماده «وَأَد» به معنای «قربابت و خویشاوندی» است<sup>۴</sup> و این آیه را به سه نحو تفسیر نموده اند:

۱. زنده به گور کردن دختران در جاهلیت، که خداوند متعال چنین می فرماید:

«وَ إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا»<sup>۵</sup>.

۲. آنکه مراد از «قَتَلَتْ» به معنای قَطَعْتُ و مراد قطع رحم است که یکی از معاصی کبیره‌ای است که معنای مقابل آن صله رحم است.

۳. احتمال سوم این است که مراد، قربابت پیغمبر ﷺ باشد که خداوند اجر و مزد رسالت آن حضرت قرار داده که فرمود:

«قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ»<sup>۶</sup>.

روایات متعددی نیز در همین امر وارده شده است<sup>۷</sup> که از جمله می توان به روایتی که ابو علی طبرسی از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نقل نموده است، اشاره کرد: «وَ إِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» «بَفَتْحِ الْمِيمِ وَ الْوَاوِ وَ الدَّالِّ»<sup>۸</sup> مراد از «الْمَوْؤُودَةُ»، «الْمَوَدَّةُ» است یعنی مودت و دوستی اهل بیت علیهم السلام<sup>۹</sup>. بنابراین مودت و دوستی اهل بیت علیهم السلام شرط ایمان است و از ضروریات دین اسلام محسوب می شود.

۱. تفسیر أحسن الحدیث، ج ۱۲، ص ۱۰۳.

۲. نحل، آیه ۵۸.

۳. أطيّب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۵.

۴. تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۱۴.

۵. أطيّب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۵.

۶. نحل، آیه ۲۳.

۷. ر.ک: بحار الأنوار، ج ۲۳، ابواب الآيات النازلة فيهم (ائمه)، باب ۱۴، ص ۱۶۷.

۸. تأویل الآيات الظاهرة، ص ۷۴۱؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۵۹۱.

۹. بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۲۵۶. (وَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ يَعْنِي قَرَابَةَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله)

خلاصه مطلب این‌که: «وَ إِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ» یعنی از افراد سؤال می‌شود که با ذوی‌القربای پیغمبر ﷺ چه کردید؟ به چه گناه و تقصیری آنها را کشتید مگر فاطمه از ذوی‌القربی نبود؟! مگر محسن علیه السلام از ذوی‌القربی نبود که سقط گردید؟! مگر علی علیه السلام نبود که طناب به گردنش انداختید، در خانه او را آتش زدید و...، مگر حسن علیه السلام نبود که زهر در گلویش ریختید و جگرش را قطعه قطعه کردید؟! مگر حسین علیه السلام نبود که با او و اصحابش و اهل‌بیتش علیهم السلام آن‌گونه وقیحانه رفتار نمودید؟! - مگر ائمه طاهرین علیهم السلام نبودند که همه آنها را به زهر جفا کشتید، مگر سادات و ذراری پیغمبر ﷺ نبودند که آنها را سر بریدید؟!.

﴿بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ﴾

به کدام گناه کشته شده؟

ابن عباس می‌گوید این سؤال در واقع، سؤال از قاتل است نه از مقتول و مؤید آن این است که در روایتی از جابر جعفی است از امام صادق علیه السلام:

قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ  
قَالَ مَنْ قُتِلَ فِي مَوْءِنَتِنَا سُئِلَ قَاتِلُهُ عَنْ قَتْلِهِ؛

او می‌گوید از امام صادق علیه السلام سؤال کردم که مراد از این کلام چیست؟ ایشان چنین پاسخ دادند: از قاتلان سؤال می‌شود که به چه جرمی شیعیان و دوست‌داران ما را به قتل رساندید؟

اما این که مقتولینی که خونشان به ناحق ریخته شده، چه کسانی هستند، بر اساس روایات می‌توان این پاسخ‌ها را بیان نمود:

۱. مراد خود اهل‌بیت علیهم السلام هستند؛ البته در صورتی که الموءودة را از ماده واد بدانیم که به معنای قرابت و خویشاوندی است، اما برای روشن شدن مطلب شایسته است که روایتی در رابطه با آن آورده شود:

وَ إِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ يَقُولُ: أَسْأَلُكُمْ عَنِ الْمَوْءُودَةِ الَّتِي أَنْزَلْتُمْ عَلَيْكُمْ فَضَلَّهَا بِأَيِّ ذَنْبٍ قَتَلْتُمُوهُمْ؛<sup>۲</sup>

۱. بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۲۵۴؛ تفسیر فرات الکوفی، ص ۵۴۲.  
۲. بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۲۵۶؛ الأصفی فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۴۱۱.

به آنها می‌گوید: از شما می‌پرسم از خویشان و خاندان پیامبر ﷺ که فضلشان بر شما آشکار بود، به چه گناهی آنها را کشتید؟

۲. احتمال دیگر این است که مراد، شیعیان و پیروان اهل بیت ﷺ باشند؛ در روایات عدیده‌ای این عبارت که به صورت کلی ذکر شده به چشم می‌خورد «مَنْ قَتَلَ فِي مَوَدَّتِنَا»<sup>۱</sup> یعنی کسانی که در راه پیروی از ما به شهادت رسیدند. اما در برخی روایات دیگر تصریح به شیعیان شده است: علی بن قاسم از امام باقر ﷺ سؤال می‌کند که این کشته شدگان چه کسانی هستند؟ امام ﷺ در پاسخ می‌فرماید:

شِيعَةُ آلِ مُحَمَّدٍ سَأَلَ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ؟<sup>۲</sup>

از شیعیان اهل بیت ﷺ سؤال می‌شود که به چه جرمی کشته شدید؟

۳. احتمال سومی که در این آیه وجود دارد که شاهد بحث ما نیز می‌باشد، این است که مراد حضرت امام حسین ﷺ باشد و مؤید این نظر روایت اسماعیل بن جابر از امام صادق ﷺ است که ایشان در معنای این آیه چنین فرمودند که مراد از این مقتول، امام حسین ﷺ است:

... قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ وَإِذَا الْمَوْؤُدَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ قَالَ يَعْنِي الْحُسَيْنَ ﷺ.<sup>۳</sup>

نتیجه این‌که اولاً: قرار گرفتن این دو آیه شریفه در کنار آیاتی که ترسیم‌کننده رویدادهای سهمگین و هولناک رستاخیز است بیانگر اهمیت این سؤال است «بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ؟» و به عبارت دیگر همان‌گونه که دل مردم از آیات رستاخیزی می‌لرزد باید از این سؤال نیز خائف و لرزان باشند.

ثانیاً: به نظر می‌رسد که این سؤال از بزرگ‌مردی باشد که در محاصره قرار گرفت و بر او، بی‌هیچ مجوزی بسیار سخت گرفتند و در حقیقت در حالی که زنده بود، و خود و فرزندان و خاندانش را به مرگ تدریجی محکوم ساختند، آری سؤال این قربانیان عدالت‌خواه، بسیار بزرگ‌تر از زنده به گور شدگان است و به آیات صدر سوره متناسب‌تر است که: حسین ﷺ و یاران خداجویش به کدامین گناه کشته شدند؟ و شاید تناسب نزول آیه در مورد امام حسین ﷺ که در روایت آمده است، از این نظر باشد.

۱. تفسیر فرات الکوفی، ص ۵۴۱؛ بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۲۵۴.

۲. بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۲۵۵.

۳. همان.



حقیقت این است که امام حسین علیه السلام و اهل بیتش از زنان و کودکان در روز عاشورا پیش از اینکه به شهادت برسند، حتی راه تنفس را بر آنها بستند، درست همانند کسی که زنده به گور می‌شود و این همان سؤالی است که در روز واپسین از آن سؤال خواهد شد که «به کدامین گناه کشته شدند؟»

آیا زنده به گور کردن که کنایه از سختی جان دادن است فقط همین یک مصداق را دارد؟! قطعاً جواب منفی خواهد بود؛ بعد از شهادت امام و فرزندان و یاران از جان گذشته‌اش، خیمه‌ها را غارت کردند و به این امر بسنده نکردند، خیمه را آتش زدند، در این باره ارباب مقاتل می‌نویسند: هنگام هجوم دشمن به خیمه‌ها و غارت خیمات حتی ربودن چادرهای زنان<sup>۱</sup> و آتش زدن خیمات، چند نفر از کودکان اهل بیت علیهم السلام بر اثر وحشت و شدت گرسنگی در زیر دست و پای مهاجمین بی رحم، به شهادت رسیدند<sup>۲</sup> و بقیه به سوی بیابان روی خارهای مگیلان می‌گریختند و بعضی از ترس جان می‌دادند!!

لب تشنه کی کشند کسی را کنار آب      گیرم حسین سبط نبی خدا نبود  
آتش به آشیانه مرغی نمی‌زنند      گیرم که خیمه، خیمه آل عبا نبود

### فصل نهم: حسین علیه السلام ذبح عظیم

نهمین آیه در مورد آن حضرت این است که می‌فرماید:

﴿وَقَدْ يَنَاقُ بِذِيحٍ عَظِيمٍ﴾<sup>۳</sup>

و ما اسماعیل را در برابر قربانی بزرگی [از ذبح شدن] رهانیدیم.<sup>۴</sup>

ذبح در اینجا به معنای مذبوح (ذبح شده) است<sup>۵</sup> مصدر به معنا اسم مفعول. اما ذبح به معنای مصدر است.

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۶۰ - ۶۱.

۲. معالی السبطين، ج ۲، ص ۸۸.

۳. صافات، آیه ۱۰۷.

۴. ترجمه انصاریان، ص ۴۵۰.

۵. تفسیر الکاشف، ج ۶، ص ۳۵۰؛ التفسیر المبین، ص ۵۹۳؛ تفسیر عاملی، ج ۷، ص ۳۰۱؛ الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، ص ۵۹۸.

فَدَيْتَاهُ: فداء یعنی چیزی را جای شیء دیگری قرار دادن تا از آن مبدلگ، دفع ضرر بشود.<sup>۱</sup>

در اینکه «ذبح چه چیز بوده است؟» اختلاف شده است.<sup>۲</sup> اما این نکته قابل توجه است که مراد از «ذَبْحٍ عَظِيمٍ» آن گوسفندی که از جانب خدا فرستاده شد، نیست بلکه مراد چیز دیگری است و این امر به خاطر این است که صفت «عظیم» را برای «ذبح» آورده است و حال آنکه یک گوسفند، نمی تواند و شأنیت آن را ندارد که ذبح عظیم باشد.<sup>۳</sup>

اما دلیل این دیدگاه روایتی است که فضل بن شاذان آن را از علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل می کند. او می گوید از حضرت رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود:

هنگامی که حق تعالی حضرت ابراهیم علیه السلام را امر به ذبح اسماعیل علیه السلام نمود و سپس بره ای آمد تا به جای اسماعیل علیه السلام ذبح کند، ابراهیم علیه السلام آرزو کرد که ای کاش فرزند خود اسماعیل علیه السلام را به دست خود در راه خدا قربانی می کردم و کاش مأمور نشده بودم به قربانی کردن بره ای به جای اسماعیل علیه السلام.

وحی رسید که ای ابراهیم علیه السلام! از مخلوقات من چه کسی را بیشتر دوست داری؟  
عرض کرد:

يَا رَبِّ مَا خَلَقْتَ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ؛  
خدایا! این همه مخلوق را که آفریدی، احدی را بیش از حبیبیت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم دوست ندارم.

خطاب رسید که او را بیشتر دوست داری یا خودت را؟ عرض کرد: او را، فرمود فرزندت او را بیشتر دوست داری یا فرزند خودت را؟ عرض کرد: فرزند او را، فرمود: قربانی شدن فرزند او به دست دشمنان او از روی ظلم بیشتر دلت را به درد می آورد یا قربانی شدن فرزندت به دست خودت در اطاعت من؟ گفت:

﴿يَا رَبِّ بَلْ ذَبَحُهُ عَلَيَّ أَيْدِي أَعْدَائِهِ أَوْجَعُ لِقَلْبِي﴾

۱. زبدة التفاسیر، ج ۵، ص ۵۷۰. (فإنَّ الفداء جعل الشيء مكان الشيء لرفع الضرر عنه) الوجيز فی تفسیر الكتاب العزيز، ص ۵۹۸.

۲. ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۱، ص ۲۹ - ۳۱.

۳. تأویل الآيات الظاهرة، ص ۴۸۶؛ الخصال، ج ۱، ص ۵۸؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۰۹؛ قصص الأنبياء للجزائری، ص ۱۲۹.

قربانی شدن فرزند او به دست دشمنان او بیشتر دلم را به درد می‌آورد.

فرمود: ای ابراهیم!

﴿فَإِنَّ طَائِفَةً تَزْعُمُ أَنَّهَا مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ سَتَقْتُلُ الْحُسَيْنَ ابْنَهُ مِنْ بَعْدِهِ ظُلْمًا وَعُدْوَانًا كَمَا يُذْبِحُ الْكَبِشَ﴾<sup>۱</sup>

طائفه‌ای هستند که داعیه دارند که از امت محمد ﷺ هستند ولی همانها فرزند او، حسین ﷺ را به جور و ستم مانند آنکه بره‌ای را ذبح می‌کنند، او را نیز ذبح می‌کنند.

و البته با این کار دچار غضب و خشم من می‌شوند در این هنگام «فَجَزَعُ إِبْرَاهِيمَ لِذَلِكَ وَتَوَجَّعَ قَلْبُهُ» فغان و فریاد ابراهیم ﷺ بلند شد و دل او به درد آمد و شروع کرد به گریه کردن سپس خطابی از مصدر جلال الهی رسید:

يَا إِبْرَاهِيمُ قَدْ فَدَيْتُ جَزَعَكَ عَلَى ابْنِكَ إِسْمَاعِيلَ لَوْ دَبَّحْتَهُ بِيَدِكَ بِجَزَعِكَ عَلَى الْحُسَيْنِ وَقَتْلِهِ وَأَوْجَيْتُ لَكَ أَرْفَعَ دَرَجَاتٍ أَهْلِ الثَّوَابِ عَلَى الْمَصَائِبِ؛

ای ابراهیم ﷺ جزع و فغان تو را فدای فرزندت اسماعیل ﷺ قرار دادم، مثل آنکه اسماعیل را به دست خودت فدا کرده‌ای، چون بر حسین ﷺ و شهادت او مویه نمودی، تو را به بلندترین درجاتِ ثوابِ کسانی که بر مصائب حسین ﷺ گریستن، می‌رسانم.

و این تفسیر و معنای «وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ» است.<sup>۱</sup>

### فصل دهم: برکات کربلا

آخرین آیه‌ای که درباره با آن حضرت ﷺ می‌باشد مربوط به سرزمین پر عظمت و با برکت کربلاست:

فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَى  
إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ؛<sup>۲</sup>

چون نزد آن آمد، از جانب راست آن وادی در آن جایگاه مبارک از آن درخت ندا رسید که: ای موسی! یقیناً منم خدا پروردگار جهانیان.<sup>۱</sup>

۱. بحار الأنوار، ج ۱۲، ص ۱۲۴.

۲. قصص، آیه ۳۰.

کربلا مکانی است که در آن انبیا اولو العزم و بسیاری از انبیای دیگر در آنجا بر امام حسین علیه السلام اقامه عزا نمودند:<sup>۲</sup>

الْمُفَضَّلُ بْنُ عَمْرٍو عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ بَقَاعَ الْأَرْضِ تَفَاخَرَتْ فَفَخَّرَتْ الْكَعْبَةَ عَلَى الْبُقْعَةِ بِكَرْبَلَاءَ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهَا اسْكُنِي وَلَا تَفْخَرِي عَلَيْهَا فَإِنَّهَا الْبُقْعَةُ الْمُبَارَكَةُ الَّتِي نُودِيَ مُوسَى مِنْهَا مِنَ الشَّجَرَةِ؛<sup>۳</sup>

مفضل نقل می کند که از امام صادق علیه السلام شنیدم که ایشان فرمودند: مکان های مختلف روی زمین بر یکدیگر فخر فروشی می کنند، کعبه بر زمین کربلا [ از جهت بلندی رتبه ] مباحات می کند اما خداوند متعال به کعبه خطاب می کند: ساکت باش و فخر فروشی مکن! چرا که کربلا همان «بقعه مبارکی» است که در آنجا حضرت موسی علیه السلام مورد خطاب و ندا واقع شد.

#### تأویل آیه شریفه

ربعی از امام صادق علیه السلام چنین نقل می کند:

عَنْ رَبِيعٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام شَاطِئُ الْوَادِ الْأَيْمَنِ الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ هُوَ الْفُرَاتُ وَالْبُقْعَةُ الْمُبَارَكَةُ هِيَ كَرْبَلَاءُ وَالشَّجَرَةُ مُحَمَّدٌ صلوات الله وسلامه عليه.<sup>۴</sup>

مراد از «شَاطِئُ الْوَادِ الْأَيْمَنِ» که در این آیه از کتاب الهی قرآن ذکر شده است «فرات» است و منظور از «الْبُقْعَةُ الْمُبَارَكَةُ» کربلا و غرض از «الشَّجَرَةُ» پیامبر اسلام محمد صلوات الله وسلامه عليه است.

#### بقعه مبارکه

این بقعه به چه علتی برکت یافته است؟! در بین مفسرین - چه شیعه و چه سنی - اقوالی ذکر شده است:

۱. این میمنه و مبارکی به این سبب است که مکان سخن گفتن خدا با موسی علیه السلام است کما اینکه شیخ طوسی در التبیان فرمودند:

وَ وَصَفَهَا بِأَنَّهَا مُبَارَكَةٌ لِأَنَّ كَلِمَةَ اللَّهِ فِيهَا.<sup>۱</sup>

۱. ترجمه انصاریان، ص ۳۸۹.

۲. برای مطالعه درباره سوگواری انبیاء الهی به جلد ۴۴ بحار الانوار مراجعه نمایید.

۳. بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۲۵.

۴. بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۱۳۷؛ الأصفی فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۹۲۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۳.

علامه طباطبائی در المیزان نیز بر همین نظر است:

مُبَارَكْتُهَا لِتَشْرُفُهَا بِالتَّقْرِيبِ وَ التَّكْلِيمِ الإِلَهِيِّ.<sup>۲</sup>

۲. بعضی این مبارکی را به این علت می‌دانند که در آنجا انبیاء زیادی بودند و خیرات فراوانی در آنجا وجود دارد:

و هِيَ مُبَارَكَةٌ لِكَثْرَةِ أَنْبِيَائِهَا وَ كَثْرَةِ خَيْرَاتِهَا.<sup>۳</sup>

۳. بعض نیز این وصف را به این واسطه می‌دانند که در آنجا انوار الهی تجلی نموده و در آنجا روزی حلال و میوه‌های پاک وجود دارد:

و وصفت البقعة بالبركة، لما خصت به من آيات الله و أنواره و تكليمه لموسى عليه السلام، أو لما حوت من الأرزاق و الثمار الطيبة.<sup>۴</sup>

۴. بعض نیز این وصف را به سبب اینکه در این مکان موسی عليه السلام به مقام نبوت رسید، آنجا را مبارک می‌دانند:

و قدست تلك البقعة لتشرف موسى بالنبوة فيها.<sup>۵</sup>

۵. اما آنچه مورد بحث ماست روایتی است طولانی از الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ که ایشان از امام صادق عليه السلام سؤالاتی را مطرح می‌کنند که در ضمن جواب امام عليه السلام چنین آمده است: خداوند کربلا را جایگاه بسیار عظیمی برای رفت و آمد فرشتگان الهی قرار می‌دهد و تا زمانی که مؤمنی در آن مکان مقدس مشغول به دعاست خداوند برکات فراوانش را بر آنها ارزانی خواهد نمود و با اولین در خواست، دعایش مستجاب خواهد شد... سپس امام عليه السلام در ادامه آهی سوزناکی می‌کشند و می‌فرمایند:

فَإِنَّهَا الْبُقْعَةُ الْمُبَارَكَةُ الَّتِي نُودِيَ مُوسَى مِنْهَا مِنَ الشَّجَرَةِ وَ إِنَّهَا الرَّبْوَةُ الَّتِي أُوتِ إِيْنِهَا مَرْيَمُ وَ الْمَسِيحُ وَ إِنَّهَا الدَّالِيَةُ الَّتِي غُسِلَ فِيهَا رَأْسُ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَ فِيهَا غَسَلَتْ مَرْيَمُ

۱. التبيان في تفسير القرآن، ج ۸، ص ۱۴۶؛ بحر العلوم، ج ۲، ص ۶۰۷.

۲. الميزان في تفسير القرآن، ج ۱۶، ص ۳۲.

۳. تفسير الكاشف، ج ۶، ص ۶۳.

۴. البحر المحيط في التفسير، ج ۸، ص ۳۰۱.

۵. بيان المعاني، ج ۲، ص ۳۷۰.

عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ اغْتَسَلَتْ مِنْ وِلَادَتِهَا وَ اِنَّهَا خَيْرُ بَقْعَةٍ عَرَجَ رَسُوْلُ اللّٰهِ ص مِنْهَا وَقْتًا  
غَيْبِيَّةٍ وَ لِيَكُوْنَنَّ لِشِيعَتِنَا فِيْهَا خَيْرَةٌ اِلَى ظُهْرٍ قَائِمِنَا عَلَيْهِ!

کربلا مکان با برکتی است چرا که جای گاه به رسالت رسیدن موسی علیه السلام است و زمینی است که مریم و عیسی علیه السلام در آن ساکن شدند و محل شست و شوی سر مبارک حسین علیه السلام است و محل غسل عیسی علیه السلام به هنگام ولادت اوست و بهترین مکان‌های روی زمین است، پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که از نظرها مخفی می شد به آنجا می رفتند و محلی پر خیری است برای شیعیان ما تا هنگامی قائم علیه السلام ظهور نماید.